



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران



عید سیدان

روز بنس کی و بخشود کی کریم باد

تقویم و روز شمار ماه ذی الحجه

- ۱ ذی الحجه: ازدواج امام علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) (سال ۲ هجری قمری)
۳ ذی الحجه: ورود پیامبر (صلی الله علیه و آله) به مکه در سفر حجه الوداع (سال ۱۰ هجری قمری)
۷ ذی الحجه: شهادت امام محمد باقر (علیه السلام) (۱۱۴ ه.ق)
۸ ذی الحجه: روز ترویه
۹ ذی الحجه: روز عرفه
۱۰ ذی الحجه: عید قربان
۱۵ ذی الحجه: ولادت امام هادی (علیه السلام) (سال ۲۱۲ هجری قمری)
۱۸ ذی الحجه: عید غدیر (سال ۱۰ هجری قمری)
۲۰ ذی الحجه: ولادت امام موسی کاظم (علیه السلام) (۱۲۸ ه.ق)
۲۴ ذی الحجه: روز مباهله پیامبر (صلی الله علیه و آله) با مسیحیان نجران (سال ۹ هجری قمری)، نزول آیه مباهله و آیه تطهیر بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) (سال ۹ هجری قمری)

در این شماره اسوه می خوانیم:

سخن نخست: عید بندگی، مقدمه عید ولایت

نمایان شدن بعد عرفانی شخصیت امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه

غدیر؛ مکمل دین و متمم نعمت خدا

سبک زندگی کوثری (این شماره: سوره کریمه فیل)

تربیت در محیط خانواده (قسمت بیست و سوم)

شهید «سید محمد حسینی بهشتی» از قاب اسوه

دعا در هنگام غذا خوردن

الگوپذیری از زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام)

عَلِیُّ مَنِّی و أَنَا مَن عَلِی

آیا آماده ام برای همراهی شما؟



عید بندگی، مقدمه عید ولایت

فخری مرجانی



در مبحث ولایت، یک مطلب بسیار قابل دقت و توجه که هرچه درباره آن رزفاندیشی شود، اسرار جالب و قابل دقتی در عظمت و در اهمیت ولایت برای انسان کشف می‌شود، اطاعت‌پذیری و ذلت‌پذیری محض صاحب ولایت در برابر حضرت حق است؛ بلکه محض اطاعت و ذلت‌پذیری.

آن طاعت‌پذیری میدان مسابقه‌ای است که در آن به روی همه مخلوقات عالم و فرد فرد انسان‌ها باز است. هیچ احدی نمی‌تواند بهانه‌ای بتراشد که چرا من نشدم، او شد. چرا من را به این میدان وارد نکردند، او را کردند. به من اجازه ندادند، به او اجازه دادند. من بهره‌نبردم، او بهره‌برد. هیچ بهانه‌ای در این باره برای هیچ احدی وجود ندارد که با صاحب ولایت مخالفت نماید. نه تنها این در به روی همگان باز است؛ بلکه همگان دعوت می‌شوند، تشویق می‌شوند؛ بلکه ترغیب می‌شوند که بیایید به این میدان وارد شوید.

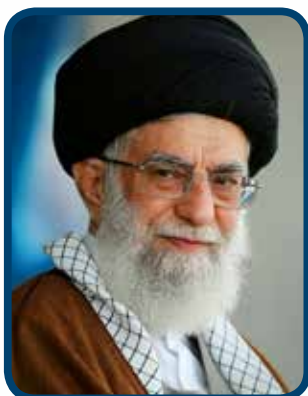
و این طاعت‌پذیری بحثی بسیار دقیق و پیچیده است؛ در سوره نساء، آیه ۵۹ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ».

اگر کسی می‌خواهد بدون دغدغه خاطر و شک و شبهه، متصل به این ولایت باشد، همه‌اش از راه ذهن و استدلال و این‌ها نیست، برود قلبش را پاک کند، برود آن نفسانیتی که به آن گرفتار شده آن‌ها را تمیز بکند، مشغول این‌ها باشد ببیند که خدا خودش نور و مزه و عطر ولایت را در دلش می‌تاباند و به او می‌چشاند. رمز رسیدن به این ولایت، از این راه است.

و سپس وقتی وارد این وادی بندگی شد، آنگاه به «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» مکلف خواهد شد.

منحصراً فقط و فقط، حقیقت این است و جز این نیست، ولی شما «الله» است و رسول او است و کسانی که ایمان آورده‌اند. از آن ایمان آورنده‌ها هم، نه هر کسی؛ آنکه اقامه «صَلَاة» و ایتاء «زَّكَاة» در حالی که در رکوع هستند، می‌کنند. آن‌ها ولی شما هستند.

مبارک باد این بندگی و این ولایت بر همه خلائق.



نمایان شدن بعد عرفانی شخصیت امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه

شخصیت درخشان و بزرگوار امام حسین (علیه السلام) دو وجهه دارد: یک وجهه، همان وجهه جهاد و شهادت و توفانی است که در تاریخ به راه انداخته و همچنان هم این توفان با همه برکاتی که دارد، برپا خواهد بود؛ که شما با آن آشنا هستید. یک بعد دیگر، بعد معنوی و عرفانی است که بخصوص در دعای عرفه به شکل عجیبی نمایان است. ما مثل دعای عرفه کمتر دعایی را داریم که سوز و گداز و نظم عجیب و توّسل به ذیل عنایت حضرت حق متعال بر فانی دیدن خود در مقابل ذات مقدّس ربوبی در آن باشد؛ دعای خیلی عجیبی است.

دعای دیگری مربوط به روز عرفه در صحیفه سجّادیه هست (دعای ۴۷)، که از فرزند این بزرگوار است. من یک وقت این دو دعا را با هم مقایسه می کردم؛ اوّل دعای امام حسین را می خواندم، بعد دعای صحیفه سجّادیه را. مکرّر به نظر من این طور رسیده است که دعای حضرت سجّاد، مثل شرح دعای عرفه است. آن، متن است؛ این، شرح است. آن، اصل است؛ این، فرع است. دعای عرفه، دعای عجیبی است. شما عین همین روحیه را در خطابی که حضرت در مجمع بزرگان زمان خود - بزرگان اسلام و بازماندگان تابعین و امثال این ها - در منی ایراد کردند، مشاهده می کنید. ظاهراً هم متعلّق به همان سال آخر یا سال دیگری است - من الآن درست در ذهنم نیست - که آن هم در تاریخ و در کتب حدیث ثبت است. به قضیه عاشورا و کربلا برمی گردیم. می بینیم اینجا هم با اینکه میدان حماسه و جنگ است، اما از لحظه اوّل تا لحظه آخری که نقل شده است که حضرت صورت مبارکش را روی خاک های گرم کربلا گذاشت و عرض کرد: «الهی رضا بقضائک و تسليماً لأمرک»، با ذکر و تضرّع و یاد و توّسل همراه است. از وقت خروج از مکه که فرمود: «من کان فینا باذلاً مهجته موطناً علی لقاءالله نفسه فلیرحل معنا»، با دعا و توّسل و وعده لقای الهی و همان روحیه دعای عرفه شروع می شود، تا گودال قتلگاه و «رضاً بقضائک» لحظه آخر. یعنی خود ماجرای عاشورا هم یک ماجرای عرفانی است. جنگ است، کشتن و کشته شدن است، حماسه است - و حماسه های عاشورا، فصل فوق العاده درخشانی است - اما وقتی شما به بافت اصلی این حادثه حماسی نگاه می کنید، می بینید که عرفان هست، معنویت هست، تضرّع و روح دعای عرفه هست. پس، آن وجه دیگر شخصیت امام حسین (علیه السلام) هم باید به عظمت این وجه جهاد و شهادت و با همان اوج و عروج، مورد توجه قرار گیرد.

بیانات در دیدار جمعی از پاسداران، ۱۳۷۶/۹/۱۳

غدير؛

مکمل دين و متمم نعمت خدا

یک دین پسندیدم، نشان می‌دهد که در آن روز، جریانی رخ داده که آن قدر با اهمیت است که آن را مکمل دین و متمم نعمت خدا بر بشر شمرده است و با بودن آن، اسلام، اسلام است و خدا این اسلام را همان می‌بیند که می‌خواسته و با نبودن آن، اسلام، اسلام نیست. شیعه به لحن این آیه که تا این درجه برای این موضوع اهمیت قائل است استدلال می‌کند و می‌گوید: آن موضوعی که بتواند نامش مکمل دین و متمم نعمت و آن چیزی باشد که با نبودنش، اسلام، اسلام نیست، چه بوده است؟ می‌گوید ما می‌توانیم موضوعی را نشان بدهیم که در آن درجه از اهمیت باشد ولی شما نمی‌توانید. به علاوه روایاتی هست که تأیید می‌کند این آیه هم در همین موضوع [غدير خم] وارد شده است.

... استدلال شیعیان یکی از جنبه تاریخی است که می‌گویند وقتی ما می‌بینیم در لفظ آیه: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» این مطلب نیست که «امروز» کدام روز است، به تاریخ و شأن نزولها

مراجعه می‌کنیم در نتیجه می‌بینیم [که روایات] نه یکی، نه دو تا و نه ده تا بلکه به طور متواتر می‌گویند: این آیه در روز غدير خم نازل شد که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) علی (علیه السلام) را به جانشینی خودش نصب کرد.

شهید مرتضی مطهری، امامت و رهبری، صفحات ۶۱ تا ۶۳ و ۱۱۸ تا ۱۳۷

از آیاتی که در این مورد در سوره مائده وارد شده یکی این آیه است: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (سوره مائده آیه ۶۷) اینجا لحن، خیلی شدید است: ای پیامبر! آنچه را که بر تو نازل شد تبلیغ کن و اگر تبلیغ نکنی رسالت الهی را تبلیغ نکرده‌ای.

مفاد این آیه آنچنان شدید است که مفاد حدیث «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». اجمالاً خود آیه نشان می‌دهد که موضوع آنچنان مهم است که اگر پیغمبر تبلیغ نکند، اصلاً رسالتش را ابلاغ نکرده است. سوره مائده به اتفاق شیعه و سنی، آخرین سوره‌ای است که بر پیغمبر نازل شده و این آیات، جزء آخرین آیاتی است که بر پیغمبر نازل شده یعنی در وقتی نازل شده که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) تمام دستورات دیگر را در مدت سیزده سال مکه و ده سال مدینه گفته بوده و این، جزء آخرین دستورات بوده است.

شیعه سؤال می‌کند: این دستوری است که جزء آخرین دستورهاست و آن قدر مهم است که اگر پیغمبر آن را ابلاغ نکند، همه گذشته‌ها کان لم یکن [هیچ و پوچ] است چیست؟ یعنی شما نمی‌توانید موضوعی نشان بدهید که مربوط باشد به سال‌های آخر عمر پیغمبر و اهمیتش در آن درجه باشد که اگر ابلاغ نشود هیچ چیز ابلاغ نشده است. ولی ما می‌گوییم آن موضوع، مسئله امامت است که اگر نباشد، همه چیز کان لم یکن است، یعنی شیرازه اسلام از هم می‌پاشد. به علاوه شیعه از کلمات و روایات خود اهل تسنن، دلیل می‌آورد که این آیه در غدير خم نازل شده است.

غدير و آیه اكمال دين

در همان سوره مائده، آیه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده آیه ۳): امروز دین را به حد کمال رساندم و نعمت را به حد آخر، تمام کردم، امروز است که دیگر اسلام را برای شما به عنوان



سبک زندگی کوثری (از ناسی تانبا)

دکتر زهرا خلخالی

zmnyhi@gmail.com

سوره کریمه فیل

نام دیگر سوره فیل «الم تر» است که چون سوره ماعون دقیق دیدن و البته عبرت گرفتن از همان ابتدای سوره مورد تأکید است تا همیشه انسان خوب ببیند و خوب درک کند که همه عالم تحت نظارت دقیق خداوندی است که خالق آن نیز می‌باشد تا طراز دریافت وی، همچون ایمان عبدالمطلب گردد که خود را فقط «رب الابل» دانسته و رب بیت را حافظ و مدبر عالم معرفی می‌کند؛ تا با این افتتاحیه مهم این ظرافت‌ها دیده شود. از سویی دیگر وقتی قرآن کریم داستان مفصل و طولانی حمله اصحاب فیل را در چند جمله کوتاه و کوبنده، در نهایت فصاحت و بلاغت، بیان می‌نماید، می‌خواهد انسان هدف غایی آن را که بیدار ساختن گردنکشان مغرور و نشان دادن ضعف انسان در برابر قدرت عظیم خداوند است؛ را درک کند و تأکید نماید که معجزات بزرگ الهی در برابر ستم‌پیشگان قدرتمند می‌تواند حتی به دست پرندگانی بسیار کوچک رقم بخورد تا «الم تر» برای انسان کاملاً تصریف و تبیین گردد. جالب توجه اینکه ماجرای اصحاب فیل چنان در میان عرب مسلم بود که سرآغاز تاریخی برای آنها شد، و احدی نیز این آیات را انکار نکرد. شایان ذکر است این «الم تر» سرآغازی برای فهم «الم...» های سوره‌های شرح و ضحی است تا خداوند از آغاز ظهور اسلام، سیمای رسول اکرم (ص) را در منظر الهی ترسیم نماید و این جایگاه عظیم را با این خطاب‌های ویژه ارج نهد.

از نظر فقهی دو سوره فیل و قریش آنچنان به هم تعلق دارند که سید قطب مدعی است: هنگامی که خداوند اصحاب فیل را نابود گردانید، بیت خود را امن نمود و حرمتش را صیانت کرد و قریش را یاری داد تا با ایجاد امنیت در این سرزمین با شرط مطیع بودن در برابر الله که ایشان را هم امنیت داده و هم اطعام نموده، به دو کوچ بزرگ زمستانی و تابستانی مشغول باشند!

مباحث ذکر شده در تفاسیر در ارتباط قوی هر دو سوره فیل و قریش اشاره‌ای به این مهم است که حال که الله بر قریش منت نهاد و او را اطعام نمود پس او نیز باید نسبت به این عمل همت نماید^۱ و البته یکی از نکات مورد غفلت واقع شده دقیقاً همین موضوع اطعام مساکین است که قریش که همان مصادیق «رأیت الذی یُکذّب بالدين» هستند گرچه قرار بود «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ» باشند!! ولی عکس آن عمل کرده و منع ماعون نمودند!! و صد البته سوره فیل به رخ کشیدن واقعه‌ای است که قریش را به خطر انداخته و خداوند آن تهدید را که با همراهی فیل که نماد عظمت و بزرگیست، با ابابیل که پرنده کوچکی است، برطرف نمود. این حقیقت به عظمت خدایی اشاره دارد که دشوارترین مشکلات را به سهولترین صورت تغییر می‌دهد تا انسان به بندگی او افتخار نماید.

۱. سید قطب، فی ظلال القرآن ج ۶ ص ۳۹۸۳

۲. رک: الغماری جواهر البیان، ص ۱۵۵

شماره سوره:

۱۰۵ (دهم از آخر) و مکی

نام‌های دیگر:

الم تر

سوره زوج:

قریش؛ در فقه، این دو سوره

حکم یک سوره واحد را دارند

محور موضوعی:

دیدن قدرت الهی

شان نزول:

حمله ابرهه به مکه

برای نابود کردن کعبه تا مردم

فقط کلیسایی را که وی بنا نهاده؛

محل عبادت قرار دهند

فضیلت قرائت:

پذیرفته شدن شهادت انسان و

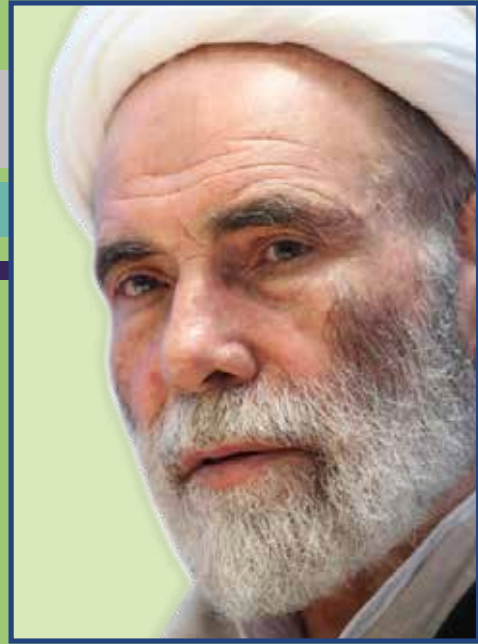
ورود به بهشت؛ و نیز رهایی از

شر دشمن

تربیت در محیط خانواده

آیت الله مجتبی تهرانى

قسمت بیست و سوم



حیوانی او در بستر طبیعت تقویت هم می شود. مثلاً وقتی که فرد به حد بلوغ برسد، شهوت جنسی او گل می کند. لازم نیست تو کاری بکنی؛ خود او گل می کند. احتیاجی به تو ندارد که بخواهی کاری کنی که شهوت جنسی او تحریک شود؛ بدون تو هم تحریک می شود. این تعبیراتی است که ایشان دارد.

پیامبر آمده است تا تو به وادی حیوانیت نروی

ما در معارفمان راجع به پیغمبر اکرم داریم - که ظاهراً قابل انکار هم نیست - که حضرت فرمودند: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ»؛ من فقط برای این مبعوث شدم که مکارم اخلاقی را تمام کنم. اصلاً می گوید غایت بعثت همین است. امام (رضوان الله تعالی علیه) در اینجا می فرماید: «در احادیث شریفه مجملأ و مفصلاً به مکارم اخلاق

بیش از هر چیز بعد از معارف اهمیت داده اند.» یعنی پیغمبر اکرم می گوید مبعوث شده ام برای تربیت و به این ترتیب، تو خودبه خود قرب به خدا پیدا خواهی کرد و فرشته خواهی شد.

مکارم اخلاق و اخلاق، همان امور تربیتی است. مبعوث شده ام که به انسان روش رفتاری، گفتاری و کرداری بدهم. آمده ام تا تو آدم شوی و به وادی حیوانیت نروی - به تعبیر استاد ما - یک حیوان عجیب و غریب نشوی. من برای این مبعوث شدم.

خدا هم که در قرآن می خواهد پیامبرش را مدح کند، می فرماید: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»؛ همانا تو دارای اخلاقی بزرگ هستی. بالاترین تعریفی که خدا از پیغمبر اکرم کرده، این است. یعنی همین تربیت و ارائه روش رفتاری و کرداری. من برای آن چیزها مبعوث نشدم؛ بلکه آمده ام تربیت تان کنم. برای تربیت آمده ام. چون وقتی که من این روش را ارائه کردم، دیگر همه چیز درست می شود. وقتی که آدم شدی دیگر مسئله تمام است. چون رو به فساد رفتن مؤونه ای لازم ندارد؛ تربیت است که به پیغمبر نیاز دارد.

ادامه دارد...

تربیت انسان؛ هدف از بعثت انبیا

بعثت انبیا برای همین بود. آن ها آمدند برای اینکه دستوراتی را که برای به فعلیت رساندن این استعدادهاست، به ابناء بشر بگویند. یعنی انبیا فقط برای تربیت این حیوان دو پا آمدند. مابه الامتیاز انسان از حیوانات دیگر همین استعدادهای او است که در فرمایشات استاد ما هم آمده بود که مابه الامتیاز انسان همین است. انبیا مبعوث شدند برای این هدف که این حیوان را انسان کنند و او را فرشته کنند.

دعوت به دنیا مقصد بعثت انبیا نیست

گاهی بعضی ها یک سنخ مطالبی می گویند که اصلاً صحیح نیست؛ مثل اینکه انبیا دعوت شان هم برای تربیت انسان بوده و هم برای سامان دادن به امور دنیایی او. من دوباره به سراغ فرمایشات استاد می روم. ایشان می فرمایند: «بعضی ها خیال کرده اند که دعوت پیغمبر اکرم دو جنبه دارد، دنیایی و آخرتی. این را مایه سرفرازی هم می دانند و این مطلب را کمال نبوت فرض کرده اند.» در ادامه استاد ما می گوید: «این ها از دیانت بی خبرند و از مقصد نبوت عاری و بری هستند.»

من حرف های خودم را نمی گویم؛ حرف های ایشان را نقل می کنم. ایشان خیلی زیبا می فرمایند: «دعوت به دنیا از مقصد انبیا به کلی خارج است، به جهت اینکه حس شهوت و غضب و شیطان باطنی (وهم)، برای دعوت به دنیا کفایت می کند و دیگر احتیاجی به بعث رُسُل نیست و شهوت و غضب، قرآن و نبی الزم ندارد.» این ها حرف های امام (رضوان الله تعالی علیه) است. این کودک که به دنیا آمده، هم «شهوت» او فعلی است، هم «غضب» او فعلی است و هم «وهم» او. این قوای



شهید «سید محمد حسینی بهشتی» از قاب اسوه

آنان که وامدارشان هستیم

محیا خوبرو

علامه شهید مرتضی مطهری (رحمت الله علیه) در تعریف سیره می فرماید: «سیر یعنی رفتن، اما سیره به معنای نوع و سبک راه رفتن است.»

آنچه به ما توصیه شده در باب الگوبرداری ها و عمل کردن ها شناختن سبک پیغمبر (و بزرگان دین) است.

اما سؤال اینجا است که چرا باید سیره معصومین، اولیا و شهدا را دانست؟ آیا دانستن سیره به ما انگیزه عمل در زندگی می دهد؟ آیا سیره ها را بدانیم تا فقط گاهی نقل قولی زیبا برای سخنوری و جذب مخاطب داشته باشیم؟ آنچه قرآن در این باب از ما مطالبه دارد چیست؟ می فرماید: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ». بحث الگو و اسوه داشتن در یک کلام؛ برای عمل کردن مطابق آن سبکی است که از آن الگو یاد گرفته ام.

■ ■ ■

سید محمد حسینی بهشتی (۱۳۰۷ - ۱۳۶۰ ش) از روحانیون مؤثر در انقلاب اسلامی ایران بود. شهید بهشتی در حوزه علمیه قم شاگرد علمایی مانند آیت الله بروجردی، امام خمینی، محقق داماد و علامه طباطبائی بود. وی از معدود روحانیان تحصیل کرده دانشگاهی و آشنا به زبان های انگلیسی و آلمانی بود. او از بنیان گذران و اساتید مدرسه علمیه حقانی است که دروس دینی را به روش های جدیدتر آموزش می داد و دبیرستان دین و دانش را نیز با هدف تقویت علمی جوانان مذهبی تاسیس کرد.

بهشتی از آغاز جوانی به فعالیت های اجتماعی و برنامه ریزی های گسترده آموزشی و تبلیغی علاقه داشت، چنان که در ۱۳۲۶ ش در یک جمع هجده نفری که مرتضی مطهری نیز از آن جمله بود، شیوه جدیدی از مسافرت تبلیغی و مطالعات مذهبی برنامه ریزی شده را با اشراف آیت الله بروجردی و وساطت امام خمینی تجربه کرد.

بهشتی از مخالفان نظام سلطنتی پهلوی حاکم بر ایران بود و علیه آن مبارزه سیاسی می کرد به همین دلیل مدتی از ایران خارج شد و در این مدت در مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان فعالیت می کرد.

در سال ۱۳۴۹ به ایران بازگشت و بر فعالیت های فرهنگی از جمله تدوین کتب درسی دانش آموزان متمرکز شد. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبری انقلاب او را به عنوان یکی از اعضای شورای انقلاب انتخاب کرد و بعد از پیروزی نیز از مؤثرترین افراد در تنظیم قانون اساسی بود و به عنوان نخستین رئیس قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران فعالیت خود را آغاز کرد.

بهشتی بعد از تشکیل جامعه روحانیت مبارز تهران با همکاری دوستانش حزب جمهوری اسلامی را تشکیل داد و نخستین دبیر کل آن شد.

دکتر بهشتی ۷ تیر سال ۱۳۶۰ شمسی، در دفتر حزب جمهوری

اسلامی همراه با عده ای از همفکرانش بر اثر انفجار بمب به شهادت رسید. مسئولیت این بمب گذاری را سازمان تروریستی مجاهدین خلق بر عهده گرفت. پیکر وی پس از تشییع در تهران در بهشت زهرا به خاک سپرده شد. در اعلامیه امام خمینی به مناسبت شهادت بهشتی و یاران او آمده است: «بهشتی... مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار چشم دشمنان اسلام بود.»

سبک و سیره شهید والا مقام می تواند رهنمای تمام آزادمردان جبهه حق باشد:

مرد انگلیسی گفت: «شما خیلی غیر واقع بینانه با مسائل برخورد می کنید. این طور جلو بروید تحریم می شوید». بهشتی گفت: «انقلاب ما انقلاب آرمان ها است نه تسلیم به واقعیت ها. همان نان و پنیر برایمان کافی است.»

■ ■ ■

همه را قانع کرده بود که مسئله فلسطین، مسئله اسلام است. همه از مخارج شان می زدند به فلسطین کمک می کردند. انجمن اسلامی اروپا و آمریکا شده بود پایگاه کمک به فلسطین.

■ ■ ■

چراغ قرمز اول را رد کرده بود. چراغ قرمز دوم بهشتی گفته بود «اگر از این هم بگذری دیگر نمی شود پشت سرت نماز خواند.»

■ ■ ■

بهش می گفتند انحصار طلب، دیکتاتور، مرفه، پولدار. دوستانش دوستانه گفته بودند چرا جواب نمی دهی؟ تا کی سکوت؟ می گفت مگر نشنیده اید قرآن می گوید «ان الله يدافع عن الذين امنوا». یعنی وظیفه من این است که ایمان بیاورم، کار خدا این است که از من دفاع کند. دعا کن من وظیفه خودم را خوب انجام بدهم. خدا کارش را خوب بلد است.

■ ■ ■

جلوی دادگستری شعار می دادند «مرگ بر بهشتی». بهشتی هم می شنید. یکی ازش پرسید «چرا امام ساکت است؟ کاش جواب این توهین ها را می داد». بهشتی گفت «قرار نیست در مشکلات از امام هزینه کنیم، ما سپر بلای اویم، نه او سپر ما.»

دعا در هنگام غذا خوردن



هنگامی که سفره را می گسترانند، چهار هزار ملک آن را احاطه می کنند. اگر بنده بسم الله بگوید، ملائکه می گویند: خدا برکت فرستد بر شما و بر طعام شما. سپس به شیطان می گویند: ای فاسق! بیرون رو. تو بر ایشان تسلطی نداری.

بعد از پایان غذا خوردن، اگر الحمد لله بگویند، ملائکه می گویند: اینان کسانی هستند که شکر نعمتی را که خداوند به آنها داده است به جای آورند. اگر در اول بسم الله نگفتند، ملائکه به شیطان می گوید: ای فاسق بیا! از این طعام ایشان بخور. اگر سفره را برداشتند و آنها خداوند را سپاس نگفتند، ملائکه می گویند: ایشان گروهی هستند که نعمت خداوند را سپاس نگفتند و پروردگارشان را فراموش کردند.

هنگامی که سفره گسترده شد، بسم الله بگو. هنگام برچیدن سفره، الحمد لله بگو. هر کس نام خداوند را در آغاز و پایان غذا ببرد، خداوند از آن طعام سؤال نمی کند.

هرگاه مسلمانی می خواهد غذا بخورد و هنگام خوردن غذا بسم الله و الحمد لله رب العالمین بگوید، خداوند قبل از رسیدن غذا به دهانش، گناهانش را می آمرزد.

منبع: دانشنامه اسلامی





الگوپذیری از زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام)

را به بهترین وجه تأمین کند و زن و مرد را به اوج تکامل و سعادت برساند. موفقیت هر یک از مرد و زن در انجام وظایف اختصاصی خود، در گرو سلامت روابط خانوادگی است. زن، هنگامی می‌تواند وظایف ویژه خویش را به سامان رساند که از پشتوانه‌های روحی، عاطفی، اقتصادی و... از جانب همسرش برخوردار باشد. مرد نیز، هنگامی می‌تواند با خاطری آرام و آسوده به فعالیت‌های مخصوص خویش، از جمله جهاد در راه خدا، همت گمارد که به وجود یاری شایسته و از خود گذشته در محیط خانواده دلگرم باشد.

اگر در روابط خانوادگی، خودخواهی، تندخویی، بی‌احترامی، پرده‌داری و... حاکم باشد، آنچنان آشفتگی روحی و پریشانی روانی بر وجود مرد و زن سیطره خواهد یافت که هر دو را از بهره‌ها و روزی‌های مادی و معنوی زندگانی محروم می‌کند.

... «شوهرداری» یک فن و هنر است؛ هنری که بیش از هر فن و هنر دیگری محتاج ظرافت، دقت، درایت و کیاست است. بانوان برای موفقیت در این عرصه خطیر، بیش از هر چیزی به یافتن اسوهای جامع نیاز دارند تا با اقتدای همه‌جانبه به سیره عملی او به بهترین شکل عمل کنند. در عرصه این هنر، اسوهای یگانه‌تر و جامع‌تر از فاطمه زهرا (علیها السلام) پیدا نمی‌شود.

فاطمه (علیها السلام) از آن هنگام که قدم به خانه شوهر نهاد، روحیات و موقعیت ویژه همسرش را با کمال کیاست دریافت و به زودی توانست خود را با شرایط خاص مادی و معنوی شوهرش سازگار کند. رفتار این برترین بانوی جهان در عرصه شوهرداری چنان در اوج صفا، مهربانی، همراهی، همدردی و دلسوزی است که تنها یک نگاه مهرانگیز او کافی بود تا تمام خستگی‌ها و گرفتگی‌ها از روح و جسم همسرش به در آید.

در سیره این بانوی یگانه است که هنر ظریفی چون «جلب رضایت و خشنودی همسر» جامع‌ترین مصداق خود را می‌یابد؛ تا جایی که همسرش در شأن او می‌فرماید: به خداوند سوگند!... زهرا تا آن زمان که خداوند او را به سوی خود بُرد، مرا ناراحت نساخت و عملی انجام نداد که مرا ناخشنود کند.

... ببینید انسان چه روحیه قوی‌ای باید داشته باشد تا بتواند این شوهر را تجهیز کند، دل او را از وسوسه اهل و عیال و گرفتاری‌های زندگی خالی کند، به او گرمی بدهد، بچه‌ها را به آن خوبی تربیت کند. آیا این‌ها نمی‌تواند برای یک دختر جوان، یک خانم خانه‌دار یا مشرف به خانه‌داری الگو باشد؟ این‌ها خیلی مهم است.

وصول به مقام قرب الهی تنها در سایه انجام وظیفه امکان‌پذیر است. هر که می‌خواهد به اوج سعادت و کمال خویش در دنیا و آخرت نایل آید، باید بنگرد که خداوند از او چه خواسته است. وظایف الهی انسان را می‌توان در سه دسته کلی مطرح ساخت: ۱- وظایف مشترک بین زن و مرد؛ وظایفی که هر یک از مرد و زن می‌باید به طور مستقل انجام دهند تا خویش را به کمال نهایی نزدیک گردانند؛ وظایفی چون: نماز، روزه، زکات، خمس، حج، علم‌آموزی، انفاق، صدقه، قرض‌الحسنه و...؛

۲- وظایف مختص زن؛ وظایفی که به سبب ویژگی‌ها و استعدادها و ویژه زنان به ایشان اختصاص یافته است. ساختمان بدنی و روحی لطیف زن اقتضا می‌کند که کارهای نیازمند لطافت، ظرافت، رأفت، دقت، درایت و گذشت به او محوّل شود؛ کارهایی چون: خانه‌داری، همسرداری، حمل، شیردهی و پرورش فرزند و...؛ ۳- وظایف مختص مرد؛ وظایفی که بر اساس توانایی‌ها و ظرفیت‌های تکوینی مخصوص مردان به ایشان اختصاص یافته‌است. ساختمان طبیعی و تکوینی جسم و روح مرد اقتضا می‌کند که کارهای سخت و سنگین که نیازمند قدرت، قاطعیت، صلابت و... است بر عهده‌اش قرار گیرد. کارهایی چون: فعالیت اقتصادی برای تأمین نیازهای مادی خانواده، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، جهاد و جنگاوری و... .

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمودند: **جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ**؛ جهاد زن، همسرداری نیکوی او است.

اما علت این همه تأکید بر مسئله «همسرداری» چیست؟ چرا در مقابل جهاد که بر مردان واجب شده، «همسرداری نیکو» برای زنان لازم گشته است؟! حکمت همترازی «همسرداری» شایسته زن» با «جهاد و از جان گذشتگی مرد» چیست؟!؛

طبق مشیت الهی، زندگی مرد و زن به طور طبیعی و تکوینی، به هم وابسته شده است. خانواده، واحد

مشترکی است که

می‌تواند این

اقتضای

طبیعی

عَلَى مَنِيَّ وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ

نفرین کنند این کوه متلاشی می شود، ما این مباحله را نمی پذیریم، نفرین نمی کنیم، نمی گوییم «فَنَجْعَلُ لَعْنَةً اللَّهُ عَلَى الْكَاذِبِينَ» بلکه پیشنهاد صلح می دهیم و هر چه را این ها در این صلح نامه خواستند مطرح کنند ما هم می پذیریم.

از این آیه نورانی مباحله مطالب فراوانی برمی آید که جواب بسیاری از سؤال هاست؛ ما درباره حسین بن علی (سلام الله علیه) روایات فراوان داریم که وجود مبارک پیامبر فرمود: «حسین مَنِيَّ وَأَنَا مِنْ حُسَيْن» این اختصاصی به سیدالشهداء ندارد، درباره امام حسن آمد که «حسَن مَنِيَّ وَأَنَا مِنْ حَسَن» دربار امام حسن و امام حسین (سلام الله علیهما) اگر حضرت فرموده باشد «حسین مَنِيَّ» یا «حسَن مَنِيَّ» این جای سؤال نیست چون نوه حضرت است، حضرت می تواند بفرماید حسین از من است، حسن از من است، اما همین تعبیرات درباره وجود مبارک امیرالمؤمنین هست، «علی مَنِيَّ» بعد هم نه تنها «علی مَنِيَّ»، «وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ»! این جای سؤال است که چرا؟! اگر «علی مَنِيَّ» چون پسرعموست، صرف اینکه پسرعمو باشد خیلی ها هستند که پسرعمو هستند و این سمت را ندارند و اگر بخاطر این است که جانشین شما است که شما به مناسبت خلیفه بودن او بفرمایید «علی مَنِيَّ» دیگر چرا بفرماید «وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ»؟! بعد از نزول این آیه مبارکه مباحله که دارد «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» معلوم می شود که از نظر قرآن گریم اینها یک نورند، پراکنده نیستند، چون خداوند از علی بن ابیطالب (علیه السلام) در همین آیه مباحله تعبیر به «وَأَنْفُسَنَا» کرده؛ یعنی او جان من است! در نتیجه اگر طبق این تعبیر وجود مبارک علی بن ابیطالب (علیه السلام) جان پیامبر (صلی الله علیه وآله) باشد آن وقت درست است که حضرت بفرماید: «علی مَنِيَّ وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ»؛ ما دو حقیقت نیستیم، یک حقیقتیم، منتها در دو بدن ظهور پیدا کردیم! البته در این عالم همه تفاوت هایی که بین امام و پیامبر هست سر جایش محفوظ است.

در ماه پربرکت ذی حجه حوادث بسیار مهم و شیرینی در اسلام اتفاق افتاد، جریان غدیر در هجدهم این ماه اتفاق افتاد، جریان مباحله در همین ایام اتفاق افتاد، نزول آیه تطهیر در همین ایام اتفاق افتاد، نزول سوره مبارکه «هل اتی» در همین ایام اتفاق افتاد.

در روز مباحله که در همین روزهای ۲۴ و ۲۵ ذیحجه اتفاق افتاد نصاری نجران برای استدلال و محاجه با پیامبر اسلام حرکت کردند، آمدند مدینه، بعد از اینکه اسلام کل جزیره العرب را احاطه کرد و همه دشمنان دین، اسلحه ها را به زمین گذاشتند و شرک در جاهلیت حجاز رخت بربست، مسیحیت نجران باید به اسلام گرایش پیدا می کردند اما آن ها نپذیرفتند که مسلمان بشوند، علمای شان وارد مدینه شدند، وجود مبارک پیغمبر (صلی الله علیه وآله) براهینی اقامه کرد و آن ها نپذیرفتند و به دستور ذات اقدس الهی پیشنهاد مباحله داده شد.

مباحله یعنی ابتغال و تضرع کردن به درگاه خدای سبحان که خدایا تو حق را یک طرفه مشخص کن، حق با ماست یا حق با آن ها، هر کدام از ما راست می گوییم ما را نجات بده و هر کدام از ما دروغ می گوییم لعنت خود را بر آن ها نازل بکن! لعنت هم به معنای دوری از رحمت است. این پیشنهاد مباحله وقتی از طرف پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) طرح شد آن ها نپذیرفتند، فردا که بنا شد مباحله کنند یعنی طرفین بیایند با خدا از راه تضرع و ناله و زاری بگویند خدا با آن که صادق است او را نجات بده آنکه کاذب است یعنی دین باطلی را ادعا دارد و حق را انکار می کند لعنت خودت را بر او نازل کن!

فردای آن روز دیدند وجود مبارک پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمد و حسین بن علی (علیه السلام) را به همراه دارد حالا یا به دوش گرفته یا بغل گرفته و دست حسن بن علی را که یک مقدار بزرگ تر بود را گرفته و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) پشت سر حضرت است و علی بن ابیطالب (علیه السلام) پشت سر فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حرکت می کند، با این جلال و شکوه که حرکت کردند نصاری نجران گفتند اگر این ها به این کوه



آیا آمادهام

برای همراهی شما؟

محیا خوبرو

با خود به یاد تو حرف می‌زنم...

و به خود می‌گویم:

فکر کن از امروز تا دیدار شما

تنها یک سال فرصت باشد...

آرزوست دیگر...

یاد گرفته‌ایم تو را تمنا کنیم و گفته‌اند

آرزو بر جوانان عیب نیست.

مخصوصاً اگر آرزوی آن جوان شما باشید...

راستی مولاجان، اگر تا دیدار شما فقط اندکی زمان باقی مانده

باشد چه؟

من کجای این راه پر از هیاهو ایستاده‌ام؟

آیا آمادهام برای همراهی شما؟

اصلاً خود را در مسیر تعالی برای آمدنت قرار داده‌ام یا هنوز به

دنیاپردازی‌های کودکانه اشتغال دارم؟

فکر می‌کنم

فکر می‌کنم

فکر می‌کنم

و خود را می‌سنجم برای روز آمدنت...

باید تلاش را بیشتر کرد...

که فرمود: «فرصت‌ها همچون ابر در حال گذرند.»

شاید تا آمدن شما فرصت اندکی باقی باشد.

کسی چه می‌داند؟

گفته‌اند سر زده می‌آیی.

آن قدر که خواهیم پرسید ناباورانه:

آقا آمد؟

و شما آن روز قلب‌ها را می‌خوانی...

که به شما بپیوندند... همان قلب‌های منتظر...

مشتاق... خودساخته... نورانی...

اللهم الرزقنا...

خبر ویژه



من ذی الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه و له اجر کریم.
کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا (نتیجه اش را) برای وی دوچندان گرداند اورا پاداشی خوش باشد.

■ آغاز ثبت نام دور دوم وام ۴۰ میلیونی تومانی ویژه

با اقساط ۱۶ ماهه و پرداخت ماهانه ۲,۵۰۰,۰۰۰ تومان

■ آغاز ثبت نام دور سوم وام ۲۰ میلیونی تومانی

با اقساط ۱۶ ماهه و پرداخت ماهانه ۱,۲۵۰,۰۰۰ تومان

■ آغاز ثبت نام دور هفتم وام ۵ میلیونی تومانی

با اقساط ۱۰ ماهه و پرداخت ماهانه ۵۰۰,۰۰۰ تومان

قرعه کشی کلیه ماه ها یکجا انجام می شود

جهت آسودگی خاطر عضو محترم، قبل از زمان پرداخت وام به هر عضو مابقی وام بیمه مانده بدهکار می گردد.

جهت اطلاع بیشتر و ثبت نام همه روزه از شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۸ تا ۱۲ بعد از ظهر تماس حاصل نمایید.

۵۵۳۹۰۱۲۰ - ۵۵۴۸۲۰۲۵ تلفن - داخلی (۱)

واحد وام موسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران



امام علی علیه السلام :

بهترین وساطت ها این است که میان دو نفر در امر ازدواج وساطت شود، تا سر و سامان بگیرند.

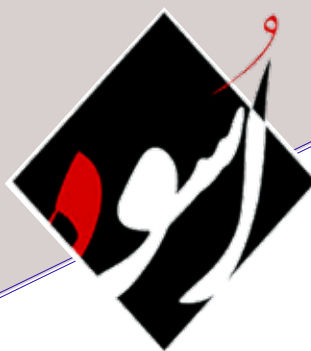
میزان الحکمه / ج ۵ / ص ۸۷

با عرض سلام خدمت شما بزرگواران و همراهان عزیز موسسه اسوه همانطور که مستحضر هستید واحد ازدواج و همسر یابی موسسه فرهنگی قرآنی عترت اسوه تهران (پیوند خوبان) مدتی پیش به روزرسانی شد. و حال در تلاش است تا قدمی موثر در راستای سنت حسنه ازدواج بردارد. و امر آشنایی را برای جوانان و خانواده ها تسهیل کند. شما عزیزان می توانید جهت کسب اطلاعات بیشتر و همچنین ثبت نام در واحد ازدواج موسسه اسوه، به آیدی زیر در تلگرام پیام دهید.

لینک ارتباط با ادمین در تلگرام :

@osveh_ezdevaj

و یا به شماره ۰۹۳۹۷۲۳۸۹۷۴ در واتس آپ پیام بدهید.



واحد پژوهش موسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

سرپرست: سرکار خانم زهرا بادى

دبیر: تحریریه: فخرى مرجان

صفحه آرا: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خمینی (ره)

راه های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

آدرس صفحه اینستاگرام چاشنی زودپز: [chashni_zoodpaz](https://www.instagram.com/chashni_zoodpaz)

نشانی: تهران- خیابان کارگر جنوبی- پایین تر از چهار راه لشکر - روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی- کوچه شهید علی غیاثوند قیصری- بن بست آریا- پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵